

اول نادیده ات می گیرند، بعد مسخره ات می کنند، سپس با تو مبارزه می کنند، اما در نهایت پیروزی با توست. "ماهاتما گاندی"

نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم



Iran.sabz88@yahoo.com

موسسین: خانه فیلم مخملباف - محسن سازگارا - نوشابه امیری - علیرضا نوری زاده - هوشنگ اسدی - فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی: شهلا بهاردوست

نگاه سبز

روزنامه سبز

زنجیر سبز جهانی

ما پیروز می شویم

شماره چهارم نهم تیرماه هزار و سیصد و هشتاد و هشت

شنیدم باز هم گوهر فشانندی

پاسخ سیمین بهبهانی به احمدی نژاد

سیمین بهبهانی

احمدی نژاد در بیرجند با انتقاد از

روشنفکران ایرانی و منتقدان خود

گفته بود "... اینها شیطان پرستان

مدرن اند، برخی قیافه روشنفکری

می گیرند، به اندازه یک بزغاله هم

از دنیا فهم و شعور ندارند."

شنیدم باز هم گوهر فشانندی که روشنفکر را بزغاله خواندی

ولی ایشان ز خویشانت نبودند در این خط جمله را بیجا نشانیدی

سخن گفتی ز عدل و داد و آنرا به نان و آب مجانی کشانیدی

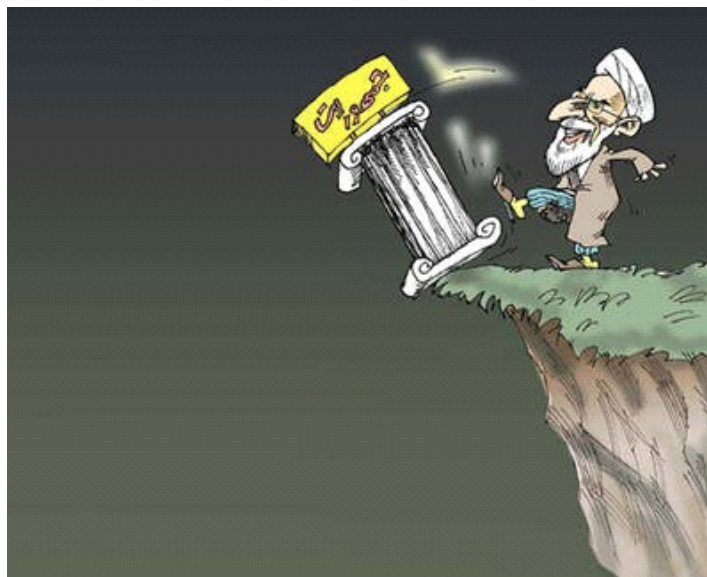
از این نقلت که همچون نقل تر بود هیاهو شد عجب توتسی تکانیدی

سخن هایت ز حکمت دفتر پراندی چه کفتر ها از این دفتر پراندی

ولیکن پول نفت و سفره خلق ز یادت رفت و زان پس لال ماندی

سخن از آسمان و ریسمان بود دریغاً حرفی از جنگل تراندی

چو از بزغاله کردی یاد ای کاش سلامی هم به میمون میرساندی



بیانیه مهدی کروبی

سقوط آزادی به حاکمیت شلاق و زندان و گلوله ...

دولت احمدی نژاد مشروعیت ندارد

مهدی کروبی در بیانیه ای که غروب سه شنبه ۹ تیر ماه ۱۳۸۸ منتشر شد، دولت احمدی نژاد را فاقد مشروعیت اعلام کرد و نوشت: "آزادی از اوج قله عظمت در تصویر جهانی به حاکمیت شلاق و زندان گلوله سقوط کرد."

لازم می دانم ابتدا از مردم ایران عنرضواهی کنم؛ هم به خاطر چندین ماه اصرار و ابرام برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری و هم به خاطر همه آن عزیزانی که در این مدت زحمات زیادی را برای آنها موجب شدم و با لطف و عنایت خود مسیر انتخابات را هموار و زمینه حضور عظیم و بی سابقه ای را

زنجیره سبز جهان را به هم پیوند

می زند. ایرانیان آزادیخواه بازو

در بازوی زنان و مردان آزاده جهان

فریاد می زنند:

نترسید، نترسید، ما همه باهم هستیم.

ایرانیان درپاریس و کلن

دولت کودتا نمی خواهیم

پاریس و هامبورگ شاهد بزرگترین

تظاهرات و تجمع بی سابقه ایرانیان

بودند. پلیس آمار شرکت کنندگان در

تظاهرات را 4000 نفر اعلام کرد، اما

مردم و جمعیت حاضر، این رقم را بین

پنج تا ده هزار نفر می دانند.

راهپیمایان از میدان تاریخی باستیل به

سوی میدان ناسیون حرکت کردند و با

شعار:

آزادی برای ایران...

خیابانها را به لرزه درآوردند.

در میدان باستیل پیش از راهپیمایی،

آقایان عبدالکریم لاهیجی و محسن

مخملبلاف و برخی از شخصیت های

سیاسی و هنرمندان فرانسوی در

حمایت از مبارزات مردم ایران پشت

میکروفن رفتند و یاد شهدای اخیر و

بویژه ندا آقا سلطان را گرمی داشتند.

ایرانیان با شعار ندا ندای آزادی به

زبان فارسی و همبستگی انترناسیونال

به زبان فرانسوی از آنها استقبال

کردند.

شعارهای تظاهرکنندگان ایرانی به دو

زبان ایرانی و فرانسوی از این قرار

بود :

نترسیم نترسیم ما همه با هم هستیم

آزادی آزادی آزادی

آزادی برای ایران

بس کنید بس کنید، کشتار در ایران را

بس کنید

آزادی زندانی سیاسی

مرگ بر دیکتاتور

رای من کو رای من کو

دولت کودتا نمی خواهیم نمی خواهیم

دولت جنایات می کند رهبر حمایت می

کند

فرانسویان در طول مسیر و همچنین در

میدان های باستیل و ناسیون با تکان

دادن دستان خود با علامت پیروزی از

ایرانیان حمایت می کردند.

در میدان ناسیون تظاهرکنندگان سرود

ای ایران و یار دبستانی را دسته جمعی

خواندند و به یاد شهیدان راه آزادی

شمع روشن کردند.

در نهایت به احترام شهدای و الامقام

روزهای اخیر در ایران و بویژه ندا 2

دقیقه سکوت همه میدان ناسیون پاریس

را فرا گرفت.

فراهم کردند

پیش از همه اذعان می کنم که بسیاری از شما بیشتر و دقیق تر می دانستید که چه خواهد شد و متوجه شده

بودید، همان گاه که می پرسیدید «چه تضمینی برای آزادی ما وجود دارد»، یا زمانی که می گفتید «نتیجه انتخابات معلوم است و شما آب در هاون می کوبید.»

با این همه می خواهم بگویم از کرده خود پشیمان نیستم و شما هم از این تلاش عظیم و حضور یکپارچه

ضرر نکرده اید. حرکت ما در جهت تحکیم مبانی جمهوری، اسلامیت و ایرانیت بود و ماه ها با کمک

دوستانمان تلاش بی وقفه ای داشتیم که «مطالبه محوری» را در صحنه انتخابات به یک اصل تبدیل کنیم

و با توجه به اوضاع و شرایط کشور آنچه به عنوان برنامه و راه برون رفت از شرایط فعلی می توان

انجام داد را برای حل مشکلات مردم و تحکیم پایه های استقلال و آزادی در کشور عنوان کنیم.

ما برای تغییر آمده بودیم، گرچه نیروهای غیبی و ظاهری مانع از تغییر در قوه مجریه شدند. با این همه

فرا تر از این تغییری در شرایط کشور و روحیات جامعه و آگاهی مردم بیش از آنچه تصور می شد،

صورت گرفت و اذعان می کنم که این تغییر به مراتب فرا تر از تصمیم من بود.

آمندم در صحنه انتخابات به یاد و عشق امام راحل بودم، به یاد روزهای فداکاری و از خودگذشتگی، قدم

نهادن در مسیر مسوولیت پذیری و نه جاه پرستی، خودخواهی و تحقیر دیگران.

آمنم برای گفت و گوهای بالنده تر اجتماعی و نه طرد هر کسی که غیر از سخن من کلمه ای به زبان می

راند؛

آمنم برای گفت و گو و شکستن فضای یکسویه حاکم بر اوضاع کشور عمومی؛

آمنم برای دیدن بهتر و کامل تر جریان اداره کشور؛

آمنم برای روشن کردن چرخه ناکارآمد مدیریت اجتماعی کشور؛

آمنم برای تغییر در سیاست های تحکیم آمیز و تحجرمآبانه داخلی؛

آمنم برای گفتن از موضع استقلال، شجاعت و حریت ؛

آمنم برای غبار رویی از چهره جوان و نوجوان، دانشگاه و اصحاب فکر و اندیشه؛

آمنم برای تعامل با همسایگان و دولت های خارجی؛

آمنم برای بازداری از شکل گیری فرهنگ و ادبیات مستبدانه در عرصه جامعه؛

آمنم برای شفاف سازی امور اجرایی و ارتباط بخش های گوناگون اقتصادی و برنامه محوری؛

آمنم برای همه این ها و همه آنچه گفته شد و غیر از این ها همه برای تغییر بود و تغییر برای ایران.

حاصل این همه آمدن ها که زمان وسیعی را به همراه اراده و ارادت به ملت بود، آن شد که توانستیم

فضای یخ زده کشور را شکستیم، مطالباتی که حق مردم بود بازگو و بازتعریف کردیم، افق نقد را به

طلوع سپیدی نزدیک تر سازیم، جرات گفتن و شنیدن را برای مسوولان و نامزدها به اوج رساندیم،

شجاعت دیدن واقعیت ها را در همه زمینه ها ارتقا بخشیدیم، گفت و گو با همسایگان، آمریکا، اعراب و

مسلمانان را به جایگاه مطمئنی نزدیک ساختیم و با ارائه برنامه ها، بیانیه ها، اعلام مواضع و دیدگاه

ها، ناگفته های بزرگی را با عظمت گفتیم و جامعه را از ترس های غیر منطقی دور کردیم و همگان را

این سو و آن سوی مرزها ایران به گفت و گو تر غیب کردیم و شما در همه این لحظات و برداشتن این گام

ها همراه و یاور من بودید و چگونه می توان فراموش کرد شکوه شب های پیش از 22 خرداد را که همه

ایران یکپارچه شور سیاسی و شوق انتخابات شده بود و دنیا با همه بزرگی خیره بر این عظمت و آزادی

حاصل از انقلاب اسلامی. چه تصاویر به یاد ماندنی از آن همه شب ها و شورها و جوان ها که ایران را

یکپارچه غرق در مردمسالاری و حضور سیاسی ساخته بود. چقدر دنیا از آن شب ها و انقلاب و عظمت

ایران یاد کرد و چه باورنکردنی که یک هفته بعد تصاویر آن شکوه به فریاد اعتراض و الله و اکبر شبانه

تبدیل شد و خون به سنگفرش خیابان پاشید و با ضرب باتوم ها و گاز اشک آور به جان زن و مرد و پیر

و جوان و چه سقوط آزادی از اوج قله عظمت در تصویر جهانی به حاکمیت شلاق و زندان گلوله ...

با چکمه و باتوم به جان و مال مردم هجوم بردند، صدها نفر سازماندهی شده به خوابگاه دانشجویان حمله

کردند و قلب دختر جوان را با گلوله شکافتند و از پشت بام مسجد با یونیفرم مردم را به گلوله بستند و

صدها نفر را در خانه و خیابان دستگیر کردند و تا سر حد مرگ کتک زدند و چه زشتی هایی که در کلام

در حق آنها روا داشتند. ده ها نفر از رجال مذهبی و سیاسی را شبانه دستبند زدند و واسفا که چه زود

انتقام دو ماه آزادی نسبی را گرفتند و همه را روانه زندان ها و سلول انفرادی کردند تا در چنین شرایطی

سخت لب به سخن بکشایند و به انقلاب مخملی اعتراف کنند!

این چه انقلاب مخملی است که رهبران آن دو تن از زنده ترین و با سابقه ترین یاران امامند و مورد تایید

چه روز دهشتناکی

محمود معتقدی

به سرزمین های خیابان درآمده ام

سر در هوای آزادی و

عشق

نگاه کن

چه رنگین کمائی به گوش می رسد

مثل شلیک به شنبه های تو و

شکوه این همه خاطره

با تو می گفتم

دخترک همیشه از باران

خواهرانت از تو می آموزند

این نت گمشده از کجای زمین

به دست های تو می رسد

ندا

خواب سرخ ات را همه می دانند

چه روز دهشتناکی

تیر ۸۸

و سنگفرش های خیابان هنوز در

وحشت و بغض زجر آوری

برایشان بی صدا گریه میکنند.

به همه ی آنان!

((ندا ، خون ، خیابان))

علیرضا عسگری

و بر تمام چاهار راه های جهان

حک شده ای

و عکس های کوچک سه در چاهار

از عصر

تا انفجار فریاد پشت بام ها

در دست مادران می گردد :

– ورودی بزرگ زندان

تجمع بزرگ کلن

شهر کلن هم شاهد یکی از بزرگترین تظاهرات ایرانیان در آلمان بود. به نقل از برخی منابع جمعیتی نزدیک به ۵ هزار نفر اما به گفته پلیس آلمان جمعیتی نزدیک به ۴ هزار نفر در این تظاهرات شرکت کرده بودند و حضور گسترده و فعال جوانان ایرانی بسیار امید بخش و چشمگیر بود. این راهپیمایی از طرف آلمانی‌ها و دیگر ملیت‌های مقیم آلمان هم مورد استقبال گرفت، تا جایی که آلمانی‌ها هم همراه ایرانیان و به زبان فارسی برای آزادی جوانان ایرانی شعار می‌دادند.

راهپیمایی از میدان رودولف پلنز شروع شد و به میدان قدیمی مرکز شهر یعنی هوی مارکت خاتمه یافت. با اینکه بارانی ریز و تند شروع به باریدن کرد ولی مردم همچنان در میدان تجمع خود را حفظ کردند و شعار می‌دادند. شعارها عمدتاً درباره رابطه با آزادی و دموکراسی، رعایت حقوق بشر و ابطال انتخابات و انتخاباتی دوباره در فضای آزاد و دموکراتیک با نظارت جامعه بین‌المللی در ایران بود. در میدان هوی مارکت همه جمعیت حلقه‌ای را تشکیل دادند و با روشن کردن شمع به یاد جان باختگان دو هفته گذشته در ایران سرود خواندند پس

از سخنرانی عده ای از فعالیان سیاسی، قطعنامه و خواست‌های ایرانیان آلمان به فارسی و خوانده شد. در بخشی از قطعنامه آمده‌است: ما امروز متحدانه همراه با مردم ایران خواسته‌های زیر را مورد تأکید قرار می‌دهیم:

- دولت دروغگو و قانون شکن احمدی نژاد از جانب دولتها و نهادهای بین‌المللی به رسمیت شناخته نشود.

ما از مردم آلمان و سراسر جهان می‌خواهیم که با اعتراضات خود از ولی فقیه، که عامل اصلی کشتار و سرکوب خونین مردم ایران است، بخواهند که به این جنایات پایان دهد.

شورای نگهبان و رهبری برای حضور در انتخابات و حداقل 15 میلیون نفر (بر اساس شمارش خود طرف) به آنها رای داده اند ؟

روای انقلاب مخملی در ذهن این‌ها بوده یا آنها که کابوس آن را می‌دیدند و نیرو به همسایه شمالی گسیل داشتند که آموزش ببینند تا چگونه مردم را با حالت ارعاب و قیافه مهیب و هجوم موتور و زدن باتوم و پرتاب گاز فلفل و زدن کابل بر سر پیر و جوان و زن و مرد و اتومبیل و مغازه بترسانند تا مبادا کسی جرات حضور آرام و در صحنه اعتراض مانندن را به خود بدهد و بعدها هم با همان روش‌های تبلیغاتی و در بوق کردن حرف‌های غیر واقعی، همه را محکوم به اغتشاش، انقلاب مخملی، تخریب و ده‌ها اتهام دیگر نموده و تا جایی پیش رفتند که مردم را به قتل یکدیگر و رفتن در لباس بسیج برای زدن خودشان هم متهم کردند!

به راستی که این انتخابات در عین اینکه پرشورترین، سیاسی‌ترین و با شکوه‌ترین انتخابات در این سی سال بود، پر مساله‌ترین نیز بود که با اعتراض‌های گسترده مردم، شخصیت‌های سیاسی و گروه‌ها مواجه شد و متأسفانه نهادهای مسوول به جای پاسخگویی و رفع شبهات درباره تردیدهای جدی و تخلفات اساسی خواستند با طرح ادعاهای مضحک همه چیز را تحت تأثیر قرار دهند. شما مردم حق دارید که لاف‌ها را از نظام بپرسید که چگونه دو تن از یاران انقلاب که مورد تأیید و با صلاحیت و نیز همه گروه‌های اطرافشان یک شبه به عاملان انقلاب مخملی و هواداران گروه‌های اغتشاشگر و مردم معترض ناگهان تبدیل شدند ؟

چگونه می‌توان این همه را به مصادف سیاسی و انتخابات خواند و ناگهان در پایان یا میانه راه چنگ و دندان نشان داد و از همه امکانات و ابزارها و صدا و سیما و تریبون‌های مذهبی و نیروهای انتظامی و امنیتی و باتوم و گاز اشک‌آور و زندان و شکنجه و تیر و تفنگ استفاده و بعد هم ادعا کرد که همه این‌ها تقصیر «خود شما» است! صدا و سیما را با بودجه ملی به خدمت گرفت، برنامه پشیمان‌سازی به راه انداخت و در همین حال خود را به حمایت 40 میلیون رای دهنده در انتخابات مفتخر دانست؟! این همان شعار پر مغز راهپیمایی مردم از انقلاب تا آزادی است که می‌گفتند: «رای ما را دزدیدند، دارند باهاش پز می‌دهند.»

لازم می‌دانم در این مقطع که به ظاهر سیر اداری انتخابات را پایان یافته تلقی کردند، مواردی را به عرض شما ملت شریف برسانم:

1- کتاب‌طور خاطرات انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری نه تنها ذهن جامعه را پر کرده و توجه جامعه جهانی را متوجه ایران و مسوولین اجرا و نظارت و همه تصمیم‌سازان نموده که برای همیشه در یادها و خاطره جامعه و تاریخ باقی خواهد ماند. در یک طرف مردمی که نظام و کشورشان را می‌خواستند و مجد و عظمت آن را آرزو داشتند و به کین آن فکر می‌کردند و در ظلمات یاس و ناباوری روح امید را در خود احیا نموده و برای تغییر و ساختن ایرانی از نو آمدند ولی با عبور از میدان‌های مین و موانع، ناباورانه با کمین به اصطلاح اجرا و نظارت دولت مواجه شدند که برای آنان و به نام آنان و بی‌شبهت به انتخاب و رای آنان، انتخاباتی را مهندسی نموده بود. در حقیقت هم ما و هم مردم بر اساس وعده و وعیده‌ها و نمایش فضای دموکراسی بر این باور بودیم که هنوز کفگیر منافع مادی به‌ت‌دیگ امانت‌داری و دیانت و اخلاق اجتماعی نخورده و ته مانده‌ای از پاکی و صداقت می‌تواند از رای مردم صیانت و آن را همان‌گونه که بود اعلام کند. در اینجا باید اذعان کنم که مردم و برخی کارشناسان و صاحب‌نظران بهتر از ما شرایط انتخابات را می‌شناختند و به کرات بی‌حاصلی برگزاری انتخابات و حساب کردن روی آرای مردم را یادآوری می‌کردند که مجدانه بابت این حسن ظن به مسوولین از مردم عذرخواهی می‌کنم.

2- برای همه شهدای این ماجراهای انتخاباتی از خداوند رحمان آمرزش طلب می‌کنم و آرزو می‌کنم در سلسله شهدا محسوب شوند. به تک‌تک خانواده‌هایشان تسلیت می‌گویم و ضمن ابراز تأسف از اینکه حتی امکانات تجلیل و بزرگداشت مناسبی هم برای تشییع و دفن و فاتحه‌فرزندانشان فراهم نشده، با آنها همدردی می‌کنم. برای همه عزیزان، مجروحان و آسیب‌دیدگان بهبود و شفای عاجل طلب می‌کنم و مقصر همه این شهادت‌ها، جرح و تخریب‌ها و اغتشاش‌ها را کسانی می‌دانم که حقوق مردم را زیر پا گذاشتند، حتی به آنها اجازه راهپیمایی آرام ندادند و نه تنها امنیت آنها را تأمین نکردند که آنان را مورد هجوم و ضرب و شتم و توهین و تحقیر قرار دادند.

3- فضای امنیتی که پس از انتخابات در کشور ایجاد شده مولود افکار معیوب و توهم توطئه‌های خود ساخته‌ای است که متأسفانه تلاش می‌شود با تبلیغات و استفاده یک طرفه از صدا و سیما آن را یک طرفه

اوین -

" ببخشید

شما تازه آزاد شدید ؟

این عکس بچه ای منه

ندیدینش ؟ "

نه

این عکس ها

سه در چهار

نبودند

تمام قد

دیده شده اند

آخرین بار

در خیابان

تمام قد

و چشم‌ها نشانه به روبرو

عبور کرده بودند

از امام حسین

و فردوسی

حرفی برای گفتن نداشت

گذر کرده بودند

درست از قلب دانشگاه

اهدای خون ،

و رسیدند

به انقلاب

که سیاه شده ،

نفس میکشد زیر دوده

با تنگی نفس

عبورکرده بودند

تمام قد

و به رگ‌های خیابان

سرازیر

و کارگر شمالی

دست هایش قفل

در دست‌های کارگر جنوبی

و انقلاب

بر سر دست

بلند

بلند ...

بلند می‌شود

آخ ندان!!!

قلب تو اکنون

چند عکس تمام قد را

هل میدهد به سمت آزادی ؟

و بر چهارراه‌های

تمام خیابان‌های جهان

حک شده

— در سریعترین وقت، به اجتماعات مسالمت آمیز و اعتراضات مدنی مردم در ایران مجوز رسمی داده شود و از دخالت و تحریک نیروهای نظامی، به خصوص بسیج و اوباشان لباس شخصی جلوگیری شود.

— انتخابات آزاد با نظارت

مجامع بینالمللی، برای تضمین آراء آزاد مردم و ایجاد فضای آرامش و مسالمت در یهنمان برگزار گردد. کلیه مجروحین حوادث روزهای اخیر بدون آزار و تعقیب مورد مداوا قرار گرفته و از خانواده‌های جانبازان مطابق حقوق بین الملل دلجویی گردد.

کلیه زندانیان سیاسی و منجمله بازداشت شدگان روزهای اخیر بدون محاکمه و به سرعت آزاد گردند. به آزار و شکنجه مردمی که در تظاهرات خیابانی اخیر دستگیر شده‌اند و نیز به شو‌های تلویزیونی که با هدف اقرار گرفتن از زندانیان تدارک میگردند، پایان داده شود.

به حضور نظامی نیروها در خیابانها و اماکن عمومی خاتمه داده شود.

به تحریکات صدا و سیما و روزنامه کیهان پایان داده شده و صدا و سیما در دمت همه شهروندان قرار گیرند. به سانسور رسانه‌ها، مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی پایان داده شود

به اثبات رسانند. هیچ یک از گروه های سیاسی شناخته شده و شخصیت های سیاسی شناخته شده و شخصیت های عزیز سیاسی و میلیون ها نفر مردمی که در راهپیمایی های آرام و مدنی حضور داشتند هیچ مطالبه ای نداشتند جز اینکه رایشان چه شد. آنها جز در فکر حق آزادی و انتخابشان نبودند و توهم توطئه انقلاب مخملی ابزار سرکوب و برخورد با مخالفان سیاسی جریان حاکم است. اصولا انقلاب های مخملی در کشورهای اقمار شوروی سابق رخ داده، شرایط خاص خود را دارد و در هیچ جای دیگری نیز نمونه ندارد. مگر ما جز اقمار شوروی سابق بوده یا شده ایم؟ انقلاب مخملی با حضور افراد وابسته به انقلابی چون آقای موسوی و اینجانب و ده ها میلیون ها نفری که به آنها رای نداده اند، معنی ندارد.

دستگیری و زندانی کردن هزاران تن از اقدار مختلف و از آن جمله چهره های سیاسی، اجتماعی، دانشگاهی و مطبوعاتی و نگران داشتن خانواده هایشان بدون هیچ اتهامی و بعضا به صورت آدم ربایی، خلاف قانون و مصالح نظام و کشور است، اینان باید هر چه سریعتر آزاد و از آنها اعاده حیثیت شود. 4- با ساز و کاری که قبل از انتخابات و توسط دولت و شورای نگهبان و برخی نهاد های عمومی انجام شده و نیز نحوه اجرای انتخابات و دخالت های دولت و نمایش شکایت پذیری و باز شماری آرای شورای نگهبان و وقایع بعد از آن را عاملی در جهت باطل بودن انتخابات می دانم و بر همین اساس دولت برآمده از آن را دارای مشروعیت و مقبولیت نمی دانم و در هیچ برنامه ای از جمله تنفیذ و تحلیف آن شرکت نخواهم کرد.

5- به عنوان خدمتگزار کوچک مردم، انقلاب و نظام اسلامی و شاگرد بی ادعای امام راحل از همه مردمی که در انتخابات شرکت کردند و به خصوص پس انتخابات نیز نسبت به پیگیری نتایج صحیح آن حساس بوده و هزینه ها پرداختند، قدردانی می کنم و به پیشگاه همه آنها سر تعظیم فرو می آورم، هر چند که با قدر ناشناسی بی سابقه ای مواجه شدند و مزدشان را با اتهام اغتشاش و انقلاب مخملی، ترور، خس و خاشاک، ده ها توهین دیگر و سرکوب گرفتند اما به همه توصیه می کنم که راه انقلاب و امام و مصلحت کشور را با این نامالیامات رها نکنید، روحیه انقلابی و اسلامی و شعور سیاسی خود را پاس دارید، همچنان به مانند امام که از «جمهوریت» همپای «اسلامیت» ارزش می داد، در مقابل تحجر، واپس گرایی و تغییرات بدعت گونه دفاع کنید و بدانید که خط امام تنها راه نجات مردم و کشور در مقابل دیکتاتوری، سرکوب، واپس گرایی و اسلام طلبانی است. گرچه این انتخابات و حوادث پس از آن به ارکان نظام و اعتماد شما آسیب جدی وارد کرد اما مطمئن باشید که رای و اراده مردم پیروز نهایی این تحولات خواهد بود.

6- بیشتر از گذشته به همه آنچه به عنوان برنامه انتخاباتی برای کشور مطرح کردم، باور دارم و از همکاران می خواهم به آنچه مطرح کرده ام، فکر کنند: به لزوم برنامه محوری در اداره کشور، احیای حقوق شهروندی، احیای آزادی های سیاسی و اجتماعی، پرداختن به حقوق اقلیت های مذهبی و قومی و توجه جدی به مطالبات اقشار گوناگون، ارزش های فرهنگی و زبانی متنوع ایران، توجه به حقوق زنان و برابری های مورد توجه و مطالبه آنان، استفاده از ظرفیت های به فراموشی سپرده شده قانون اساسی و چنانچه لازم باشد تغییر و بازنگری قانون اساسی به ویژه در ارتباط با قانون شوراها، اداره مناطق مختلف کشور، مسایل مربوط به انتخابات و نظارت شورای نگهبان و موارد دیگر.

7- در جریان انتخابات و پس از اعلام نتیجه حیرت آور و اعجاب انگیز آن از هیچ اقدامی ولو مخاطره آمیز دریغ نکرده ام که مواردی از آن حسب اقتضا از طریق بیانیه هایی به استحضار شما ملت بزرگ رسیده و طبعاً بعضی از اقدامات دیگر در وقت مناسب اعلام خواهد ولی اجمالا یادآوری می کنم از هیچ فرصت متصور می همچون تماس، رایزنی، مکاتبه محرمانه با مراجع دینی و شخص رهبری و هر شخص حقیقی و حقوقی تأثیرگذار دیگر غفلت نکرده ام و صادقانه به شما می گویم که آنچه در توانم بوده است را انجام داده ام، هر چند که در مواردی قرین توفیق نبوده است.

8- ضروری ترین مساله در شرایط کنونی حفظ روحیه انقلابی و سیاسی در برابر کسانی است که می خواهند مردم نا امید شده و از صحنه انتخابات خارج شوند. همه باید وحدت انقلابی و روحیه سیاسی را حفظ کرده و با جریان عظیمی که در این انتخابات به حرکت در آمده و خودآگاهی خود را بازیافته به تشکیل و تقویت تشکل های مدنی و حضور در احزاب و گروه های سیاسی اصلاح طلب و تحول خواه و امیدوار به آینده بپردازند. من به سهم خود برای هرگونه همکاری با افراد و گروه های سیاسی تحول خواه در این مقطع حساس که به نظر می رسد «جمهوریت» در کنار «اسلامیت» و «ایرانیت» در خطر است، دست همکاری و تشکیل جلسه واحد تحول خواهی و حرکت و تغییر را دراز می کنم و از همه شخصیت ها و گروه های مختلف که به اندیشه امام وفادارند، دعوت می کنم به این امر عظیم اقدام کنند.

تصویر بزرگی از چشمانت

و خون می پاشد

از گلوی تصویر

و در

رگ های خیابان

تزییق

و رعشه گرفته اند

تمام تابلو ها

بر تمام چاهار راه های جهان

ندا ! آآخ !

ندا !

ندا !

قلب تو اکنون

چندین تصویر تمام قد را

هل میدهد ؟

و خون پاشیده در رگ های خیابان ها

کارگر شمالی

کارگر جنوبی

و دوده

از حجم انقلاب

پاک می شود

و این همه

تصویر تمام قد

به و سعت میدان آزادی

خواهند رسید

ندا ! ندا !

آی ! آی !

آی ! ندا !

ما شبیه تو ایم

یا تو شبیه

به این همه تمام قد ؟

چگونه است که یک قلب

می تپد

در این همه

که دویده اند

در رگ های خیابان

و انقلاب را

وصل

به میدان وسیع آزادی

ندا! آآخ ندا



مهدی کروی تا آخر عمر پای این مردم و انقلاب اسلامی ایستاده است و تمامی مطالبات ملت را با تمام وجود و در قالب برنامه های اعلام شده به هر نحو ممکن پیگیری می کند و در هر شرایطی با هر امکانی به مبارزه ادامه خواهد داد و با دعوت از همه این راه تاکید می نمایم که راه مصلحت کشور و انقلاب امام راحل به ایستادگی و هوشیاری و حفظ آرامش و اجتناب از هر گونه پراکنده کاری نیاز دارد. از علمای اسلام و بزرگان نیز دعوت می کنم که در صحنه سیاسی کشور و مصالح مردم مثل گذشته فعال و با نشاط باشند و به راهنمایی آنها مثل گذشته همت گمارند.

پایان جمهوری آغاز خلافت اسلامی

شورای نگهبان جمهوری اسلامی هماهنگی که انتظار می رفت ، کودتای انتخاباتی را تأیید کرد و "پرونده انتخاباتی را بست."

دولت کودتا که می داند نفر سوم انتخابات را به ریاست جمهوری رسانده و به ۳۰ میلیون رای موسوی و کروی خیانت کرده است، پیش از تأیید انتخابات نیروی انتظامی سنگینی در تهران مستقر ساخت. شورای نگهبان، سرانجام پس از ۱۶ روز مانور و وقت کشی، سرانجام در پایان یک نمایش تلویزیونی، نظر علی خامنه ای را تأیید کرد و گفت که احمدی نژاد رئیس جمهور می ماند. یعنی اگر یک ملت هم بگوید نمی خواهیم، چون رهبر می خواهد، ملت بی خود می کند که نخواهد!

آن نمایشی که از تلویزیون پخش شد، شمارش ۱۰ در صد آراء بود. آرائی دو هفته وقت داشتند آنها را برای این نمایش تلویزیونی بنویسند و یا از صندوق های دیگر در آورند و به آن صندوق هایی که در تلویزیون به نمایش گذاشته شد بریزند.

آن فریاد میرحسین موسوی علیه سلطه دروغ و ریا بر جامعه و دروغوئی احمدی نژاد بعنوان سمبل دولتمردان، دیشب یکبار دیگر در سیمای جمهوری اسلامی به نمایش در آمد. مردم در این دو هفته، از دهان رهبر و دیگر مقامات و از صدا و سیمای جمهوری اسلامی جز دروغ نشنیدند و حالا به این باور رسیده اند که در گذشته نیز جز دروغ به آنها گفته نشده است. هیچ پیوندی میان حکومت و مردم برقرار نمانده است و نمایش رای شماری دیشب در تلویزیون نیز میخ دیگری بود بر تابوت این اعتماد.

شورای نگهبان که خود یک سر کودتایی است که نیروی نظامی اش دیروز در گسترده ترین سطح در تهران استقرار یافته بود، با تأیید نتیجه انتخابات، خواست مهربی قانونی بر کودتا بزند. اگر اندک یقینی به قبول ادعای خود توسط مردم داشتند، دست به چنان آرایش نظامی در سطح تهران - و قطعاً در شهرهای دیگر - نمی زدند. بنابراین، حکم شورای نگهبان، در سایه چماق و تفنگ و تحت حمایت قوای نظامی و انتظامی و واحدهای موتور اوباش تحت امر شورای نگهبان ابلاغ شد.

باین ترتیب عمر جمهوری اسلامی به پایان رسید و دوران خلافت اسلامی آغاز شد.

سایت الکترونیکی روز آنلاین دیروز - سه شنبه - گزارشی خواندنی در این باره منتشر کرد.

شورای نگهبان نظر رهبر را تأیید کرد

شروین امیدوار

دوشنبه شب و در حالی که حضور هزاران مامور نظامی، انتظامی و شبه نظامی در خیابان های تهران و اغلب شهرهای بزرگ کشور از تدابیر ویژه امنیتی در سراسر کشور حکایت داشت، احمد جنتی دبیر شورای نگهبان در نامه ای به وزیر کشور نتایج انتخابات ریاست جمهوری دهم را تأیید کرد.

نامه احمد جنتی در بخش خبری ساعت ۹ شب از تلویزیون دولتی ایران منتشر شد. وی در این نامه اعتراض های میرحسین موسوی، مهدی کروی و محسن رضایی سه کاندیدای دیگر انتخابات را رد کرد

و نوشت: "از آنجا که بخش عمده‌ای از موارد اعلامی از مصادیق تخلف یا تقلب انتخاباتی خارج و بعضا تخلفات مختصری که وقوع آن در اغلب انتخابات مشهود و غیرقابل اعتناست، سرانجام شورای نگهبان با بررسی موضوع در جلسات عدیده و با وارد ندانستن شکایات و اعتراضات، صحت انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری را طبق ماده 79 قانون انتخابات ریاست‌جمهوری مورد تأیید قرار داد."

نظر شورای نگهبان پس از آن اعلام شد که آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در روزهای 23 و 29 خرداد پیش از شورای نگهبان خود راسا اقدام به تائید انتخابات کرده و به کاندیداها و مردم معترض هشدار داده بود که در صورت تداوم راهپیمایی‌های اعتراض آمیز مسئولیت کشته شدگان و مجروحان و حوادث دیگر بر عهده آنهاست.

اظهارات رهبر جمهوری اسلامی در نماز جمعه تهران در حالی صورت گرفت که میلیون‌ها ایرانی از جمله دست کم 3 میلیون شهروند تهرانی (بنا بر گواهی شهردار تهران در مجلس) روز دوشنبه 25 خرداد به دعوت میر حسین موسوی و مهدی کروبی در تهران و سراسر کشور به راهپیمایی مسالمت آمیز در اعتراض به کودتای انتخاباتی دست زدند، که از سوی شبه نظامیان بسیج و یگان‌های ویژه نیروی انتظامی و سپاه پاسداران به خاک و خون کشیده شد و تنها در تهران 8 نفر بر اثر شلیک مستقیم اعضای گردان‌های عاشورای بسیج به سوی مردم کشته شدند.

روز بعد از اظهارات تهدید آمیز رهبر جمهوری اسلامی در نماز جمعه، یعنی شنبه 30 خرداد نیز مردم تهران به صورت خودجوش قصد برگزاری راهپیمایی مسالمت آمیز در اعتراض به اظهارات وی و نتیجه اعلام شده انتخابات را داشتند که با هجوم هزاران مامور ویژه بسیج و سپاه و نیروی انتظامی مواجه شدند. سرکوب شدید مردمی که این بار با "شعار مرگ بر دیکتاتور" به خیابان‌ها آمده بودند حداقل سیزده کشته و صدها زخمی برجا گذاشت و سپاه و نیروی انتظامی صدها نفر را در تهران بازداشت کرده و به مکان‌های نامعلوم منتقل کردند.

اسناد تخلف و تقلب انتخاباتی، هر روز بیشتر از دیروز

میرحسین موسوی، مهدی کروبی و محسن رضایی پیشتر در نامه‌هایی جداگانه با ارائه اسناد و مدارکی شکایت خود از تقلب گسترده در انتخابات را اعلام کرده بودند.

میرحسین موسوی در نامه خود به شورای نگهبان تقلب و تخلف گسترده در انتخابات را شامل مراحل مختلف در قیل از روز رای گیری، تخلف و تقلب در روز رای گیری، و در اعلام نتایج و پس از آن اعلام نمود و تاکید کرد که خواهان ابطال انتخابات است.

مهدی کروبی نیز طی چند نامه به شورای نگهبان اسناد تخلفات و تقلب گسترده و شکایت خود را ارائه کرد و خواستار ابطال انتخابات شد. کروبی روز یکشنبه در نامه‌ای به شورای نگهبان به این شورا توصیه کرد که برای حفظ جاگاه این شورا از تائید انتخابات خودداری کرده و بار مسئولیت تائید انتخابات را به آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی واگذار کند.

محسن رضایی دیگر کاندیدای انتخابات پیشتر اعلام کرده بود که بنابر نتایج اعلام شده توسط وزارت کشور، در 170 حوزه انتخاباتی میزان مشارکت اعلام شده توسط وزارت کشور میان 95 تا 140 درصد بوده است.

عباسعلی کنجدی سخنگوی شورای نگهبان بعداً در برنامه‌ای تلویزیونی با پذیرش اینکه در بسیاری از شهرها تعداد آراء اعلام شده بیش از جمعیت واجدان حق رای بوده گفت که تعداد این شهرها 50 مورد است.

روز یکشنبه شورای نگهبان اظهار داشت که هیات ویژه‌ای برای بررسی شکایت کاندیداها تشکیل داده است، اما میرحسین موسوی و مهدی کروبی تاکید کردند که بسیاری از اعضای این هیات خود به صراحت از احمدی نژاد حمایت کرده و نمی‌توانند نقش بی‌طرف داشته باشند. محسن رضایی نیز اعتراض مشابهی را مطرح کرد.

روز دوشنبه با پایان مهلت شورای نگهبان علاوه بر برقراری حکومت نظامی اعلام نشده در سراسر کشور و حضور هزاران مامور مسلح و امنیتی در شطح تهران و سایر شهرها، برخی از چهره‌های امنیتی و نظامی جناح حاکم به طور همزمان به سخنرانی و مصاحبه پرداخته و میرحسین موسوی و مهدی کروبی و اصلاح طلبان معترض را در معرض حملات لفظی و اتهامات قضایی و امنیتی قرار دادند.

در ادامه چنین شرایطی بود که دبیر 83 ساله شورای نگهبان در شامگاه دوشنبه در میان تدابیر شدید امنیتی- نظامی انتخابات 22 خرداد را تأیید کرد.

با این حال روز گذشته بار دیگر اسناد جدیدی از تقلب گسترده در انتخابات منتشر شد. امیدوار رضایی برادر محسن رضایی که خود نماینده مجلس هشتم است اعلام کرد "در برخی صندوقها 70 درصد آرا با یک خودکار و با یک خط نوشته شده است." امیدوار رضایی گفت که "درباز شماری غیر رسمی" که در شماری از صندوق ها صورت گرفته "مشخص شده که 70 تا 80 درصد آرا با یک نوع خودکار و با یک خط مشترک به نفع یک کاندیدای خاص به صندوقها ریخته شده است."

وی در عین حال خاطر نشان کرد که "شورای نگهبان و وزارت کشور علی‌رغم توافق صورت گرفته با آقای رضایی اطلاعات لازم را به ما ارائه ندادند. آقای رضایی هم به همین دلیل انصراف دادند. قرار بود وزارت کشور علاوه بر فهرست صندوقها و آرای تفکیکی در آنها فرم‌های 22، 23 و 28 هر حوزه را که مربوط به صورت جلسه‌ها و شمارش اولیه آرا در هر صندوق بوده است را به ما ارائه دهند."

به گفته وی: "همچنین قرار بود آمار کلی شورای نگهبان و وزارت کشور از شمارش آرا به ما ارائه شود چرا که مقایسه آنها می‌توانست در تأیید صحت شمارش آرا به ما کم کند. چون این اطلاعات به ما ارائه نشد، نمی‌توانستیم اعتراضاتمان را پیگیری کنیم."

از سوی دیگر سایت تابناک نزدیک به محسن رضایی روز دوشنبه نتایج شمارش آرا در 38 شهر را منتشر کرد که در آنها مجموع آرای سه کاندیدا یعنی میرحسین موسوی، مهدی کروبی، و محسن رضایی صفر اعلام شده و همه آرا برای محمود احمدی نژاد منظور شده است.

همه علیه دولت غیر قانونی

با اعلام رای شورای نگهبان، مخالف با دولت غیر قانونی آغاز شد. نخستین پاسخ را مردم دادند. میلیونها نفر همان شب برپا می‌رفتند و با فریاد اله و اکبر و مرگ بردیکتاتور مخالفت خود را اعلام داشتند.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دولت بر آمده از کودتار غیر قانونی خواند و اعلام کرد: "سازمان «دولت برآمده از انتخاباتی که ملت صحت آن را نپذیرفته و بر ابطال آن پای می‌فشارد، فاقد مشروعیت و وجاهت قانونی» می‌داند و ضمن تأیید و حمایت کامل از «اعتراضات مدنی، قانونی و مسالمت آمیز ملت آگاه ایران به نتایج انتخابات»، وظیفه خود می‌داند که با استفاده از همه ظرفیت‌های به مبارزه قانونی و مسالمت آمیز علیه دولت غیر قانونی بپردازد."

آیت الله سید جلال الدین طاهری اصفهانی، گفت: "همصدا با اکثریت مردم رای باخته، این انتخابات را مخدوش و آن را باطل و تصدی مجدد رئیس دولت را برای دور بعد نامشروع و غاصبانه" می‌دانم.

من با دیده گریان و قلبی اندوه بار به عین می‌بینم که کهنه دشمنان و مخالفان امام راحل که او را برای مبارزه و تاسیس جمهوری اسلامی تخطئه می‌کردند، امروز با تمام قوت و با همان دشمنی، تئوری پردازان قدرتمندان شده و از درون به هدم و نابودی عقاید حکومتی مرحوم امام و به موزه فرستادن عملی آن، فعالانه مشغول هستند.

آیا امام معتقد بود کسانی که باید در انتخابات بی طرف باشند، رسماً وارد حمایت علنی از کاندیدای خاصی بشوند؟ آیا امام اجازه می‌داد امکانات عمومی و بیت المال مسلمین برای یک کاندیدا بدون هیچ محدودیتی استفاده شود؟ آیا امام اجازه می‌داد حیثیت و آبروی افراد این گونه در معرض و منظر مردم ملعبه بازیگران قدرت قرار گیرد؟ و آیا دین چنین اجازه‌ای به شما داده است؟ چرا چتر حمایت قانون فقط برای شما و دوستان شما است؟"

آیا این از مصادیق عدالت است که سید شریف و مظلومی چون میرحسین موسوی که در سخت‌ترین دوران‌های این کشور مسئولیت اداره دولت را با وجود جنگ هشت ساله و محاصره اقتصادی و گروه‌های محارب و تثبیت انقلاب با موفقیت تمام طی نمود، اکنون عامل استکبار، اغتشاشگر و مستوجب کیفر باشد و باید حقوقش پایمال گردد؟"

سر آغاز دیکتاتوری

جان در ستم سوختن بهتر از با ستم ساختن

نامه آخر زنده یاد سعیدی سیرجانی

به علی خامنه‌ای پیش از ترور توسط وزارت اطلاعات

در حکومتی که مرحوم شریعتمداری با آن مقام فقاقت، مرحوم مهندس بازرگان با آن تقوای دینی و سیاسی، آیت الله منتظری با آن سوابق مبارزاتی دق‌مرگ و خانه نشین و مطرودبودند و هستند، تکلیف امثال بنده معلوم است.

علی اکبر سعیدی سیرجانی، ادیب، پژوهشگر و نویسنده ایرانی در تاریخ بیست و نهم هزار و سیصد و ده در سیرجان متولد شد. ماه‌های آخر زندگانی جسمی او در اسارت جمهوری اسلامی گذشت. بی هیچ تماسی با دنیای آزاد. او در ۲۴ اسفند ماه هزار و سیصد و هفتاد و دو، ساعت ۹ بامداد از خانه خارج شد. غروب پنجشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۷۲ دستگیری او بدست جمهوری اسلامی در روزنامه‌ها درج گشت. با وجود ادعای کمال خرازی سخنگوی وقت جمهوری اسلامی در مقابل مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر دیدار سیرجانی با خانواده آنها تا زمان وفات وی در زندان موفق به ملاقات وی نشدند. وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در ۴ آذر ماه ۱۳۷۳ مرگ او را در روزنامه‌های رسمی اعلام نمود. درست همان زمانی که جهان آزاد آخرین مهلت برای نشان دادن سعیدی سیرجانی توسط جمهوری اسلامی اعلام کرده بود. مطابق اعترافات امیرفرشاد ابراهیمی و شواهد آشکار، سعیدی سیرجانی در تاریخی میان نیمه تیر ماه ۱۳۷۳ تا آذر ماه همان سال به دست عوامل وقت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به قتل رسید.

ای رهبر جلیل‌القدر

جناب آقای خامنه‌ای پیام عتاب آمیز جناب عالی را آقای صابری برایم خواند، و متأسف شدم، نه به علت این که مورد قهر آن مقام معظم قرار گرفته‌ام و به زودی امت همیشه در صحنه حزب الله حسابم را خواهند رسید که مرگ در راه دفاع از حق شهادت است و ما مرگ شهادت از خدا خواسته‌ایم تا سرفراز و تأثرم از پندارهای باطل خویش بود و امیدهای بر باد رفته‌ام درباره سعه صدر جناب عالی و سرنوشتی که ملت ایران در دوران رهبری شما خواهند داشت. بگذریم از لحن توهمین آمیز پیام که حتی قاصد را شرم‌انده کرده بود و از هر مسلمان با تقوایی بعید می‌نمود تا چه رسد به رهبر مسلمانان جهان. حیرتم از این است که جناب عالی به استناد کدامین سند و قرینه و امارت مرا مرتد قلمداد کردید و نامعتقد به اسلام. اگر مستند به نوشته‌های من است ای کاش موردش را مشخص می‌فرمودید، و اگر مبتنی بر واردات غیبی است و اشراف بر ضمائر که انالله و انالیه راجعون. می‌دانم در حکومتی که مرحوم شریعتمداری با آن مقام فقاقت، مهندس بازرگان با آن تقوای دینی و سیاسی، آیت الله منتظری با آن سوابق مبارزاتی دق‌مرگ و خانه نشین و مطرودبودند، تکلیف امثال بنده معلوم است و بر ما کجا برآورد دعوی بی‌گناهی. و می‌دانم رهبر جلیل‌القدری که با یک نهیبش نمایندگان مجلس اسلامی در لاک سکوت و وحشت می‌خزند، البته می‌تواند با تیغ بیدریغ تکفیر حمله بر من درویش یک قبا آرد فرموده بودید چرا این همه مزایای حکومت اسلامی را ندیده‌ام و به تمجید نپرداخته‌ام. این وظیفه اخلاقی را شاعران و نویسندگان محترمی که با چرخشی ناگهانی در سلک هواداران ولایت فقیه درآمده‌اند بهتر و موثرتر انجام می‌دهند. وانگهی رژیمی که علاوه بر فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی هزاران مسجد و منبر و مجلس را در اختیار دارد چه نیازی به مدیحه‌سرایی مطرودان دارد، به خصوص نویسنده کج سلیقه‌ای که هرگز در مدح هیچ امیر و حاکمی قلم نزده است فرموده بودید چرا در انتقاد از حکومت شاه به جزئیات اداری پرداخته‌ام؟ از همین انتقادهای جزئی هم شرم‌انده‌ام که بحمدالله در این ده سال فرصت شناسان حق مطلب را ادا کرده‌اند و بر حاکم معزول تاخته‌اند. وضع من در زمان شاه نیز مانند امروز بود. مینوشتم و چاپ می‌شد و منتشر نمی‌گشت، دیکتاتور مغرور بدعاقبت می‌پنداشت با شکستن قلمها و زجر آزادگان بر دوام حکومت

خود می‌افزاید. قطعاً مقالات سانسور شده من در بایگانی ساواک موجود است. بفرمایید مطالب از "یغما" و "خواندنیها" بیرون کشیده مرا در مقوله سیاست فرهنگی، ماجرای کاپیتولاسیون، مضحکه تغییر تاریخ، شعبده جشنهای شاهنشاهی به حضورتان بیاورند تا بدانید بوده اند مردم از جان گذشته‌ای که به هیچ دعوی مبارزه و پیوستگی به دارودسته ای از بیان حقایق پروایی نداشته اند. اما در مورد کتابهای توقیف شده بنده واقعا نمی‌دانم کجایش حمله به اسلام است یا اساس حکومت اسلامی. من ذاتا از ریا و دروغ و تبعیض و ستم متنفرم و این نفرت در نوشته هایم منعکس است. اگر خدای ناخواسته همچو فاسدی در دستگاه حکومت حاضر این است که انتقاد از هر مسندنشین و مسئولی حمل بر "زیرسوال بردن رژیم" می‌شود و لطمه زدن به اساس اسلام و بهانه ای برای سرکوبی و اختناق و نتیجه اش همین که می‌بینیم من به آنچه در کتابهای توقیف و خمیر شده ام نوشته ام عمیقاً اعتقاد دارم و در هر محکمه ای حاضر به پاسخ‌گویی ام. اگر واقعا خلاف اسلام یا حکومت واقعی اسلامی است، چرا بدین شیوه های غیر اخلاقی با من رفتار می‌کنند. مگر مملکت قانون و محکمه ندارد؟ جناب آقای خامنه ای توقع مردم مسلمان ایران از حکومت اسلامی جز اینهاست که می‌کنند. در رژیم کمونیستی تکلیف خلاق معلوم است. همه فضایل و امتیازات در نیروی کار مفید افراد ملت خلاصه می‌شود و مناصب و مقامات در دست طبقه کارگر است و استبداد کارگری حاکم بر جامع، در ممالک سرمایه داری تمول و درآمد بیشتر ضامن قدرت اجتماعی است و سرنوشت مردم در قبضه کسانی که به هر شیوه و از هر طریق صاحب آلف و الوفی شده اند. اما در حکومت اسلامی ضابطه چیست؟ آیا فضایل منحصر به نماز و دعای بیشتر است و روزه طولانی‌تر و سجده غلیظ تر و لقب حاجی و انبوهی محاسن و کلفتی دستار و دعوی بسیار، یا به حکم آیه کریمه ان اکرمکم عندالله اتقیکم فضیلت افراد محصول تقرب به حق است و قرب یزدان در گرو تقوی؟ اگر چنین است اجازه فرمایید بی هیچ ملاحظه و پروایی عرض کنم بسیاری از اعمال سران حکومت خلاف تقواست. این را به تجربه شخصا دریافته ام و اثباتش اگر خواستید آسان است. بگذریم از دو سال اول که نایبامانی ها جواز اشفته گویی ها و اشفته کاریها بود. در همین چندماه اخیر بزرگانی که در خبرنامه ها و جراید مرا عضو حزب توده و خدمتگزار شاه و مامور ساواک معرفی کردند، هم از معصیت سنگین بهتان باخیر بودند و هم از نحوه زندگی و خلق و خوی من، به فرض این که با گذشته زندگی بنده آشنایی نداشتند به فیض مقام و موقعیت خویش می‌توانستند از دستگاه اطلاعاتی کشور جویای سوابق شوند و آنگاه دست به قلم ببرند، یا کسانی را مامور، که مزاحمت هایی از قبیل سنگ پراندن و شعارنویسی بر درویوار خانه ام کنند. جناب آقای خامنه ای بنده به خلاف حکم قاطع شما مسلمانی، صافی اعتقادم، و به دین و عقیده ام مباحثات می‌کنم. هیچ ابله مخالف اسلامی نمی‌آید پانزده سال عمر خود را صرف تصحیح و چاپ مفصل‌ترین تفسیر قرآن کند. کسی که به اسلام بی اعتقاد است، با چه انگیزه ای قصیده "این بارگه که پایه اش از عرش برتر است" را تقدیم آستانه قم می‌کند؟ کسی که دلبسته اسلام نیست در شرایط حاضر خاموش می‌نشیند تا به نام مقدس اسلام هر ناروایی بر مردم تحمیل شود و اساس اعتقادشان متزلزل گردد جناب آقای خامنه ای، من بیش از هر مسلمان متعصبی با سلطه و نفوذ اجانب به هر صورت و در هر مرحله اعم از شرقی و غربی در وطن عزیزم مخالفم و بیش از بسیاری از مدعیان به حقانیت شریعت اسلام معتقد. به هیچ حزب و دسته و گروهی نه در گذشته بستگی داشته‌ام و نه بعد از این می‌توانم داشته باشم. اگر هوس جاه و منصب داشتم در سال ۵۷ دعوت وزارت را با سرعت و صراحت رد نمی‌کردم، و اگر در طمع مال و منال بودم مجبور نمی‌شدم درین سالهای پیری و ممنوع القلمی خانه مسکونیم را که تنها مایلمکم در پهنه جهان بود بفروشم و صرف معاش کنم. آدمیزاده ام، آزاده ام و دلیلش همین نامه، که در حکم فرمان آتش است و نوشیدن جام شوکران. بگذارید آیندگان بدانند که در سرزمین بلاخیز ایران هم بودند مردمی که دلیرانه از جان خود گذشتند و مردانه به استقبال مرگ رفتند. با تقدیم احترام- سعیدی

سیرجانی

روزنامه سبز

ضمیمه شماره ۴

اینترنت و سقوط یک دیکتاتور

مدتها قبل از این که اولین خبر "تیوتری" در باره احتمال تقلب انتخاباتی ایران در اینترنت گذاشته شده و تکثیر هزاران باره آن به تظاهرات توده‌ای در خیابان‌های تهران منتهی شود، شرکت زمینس، این کنسرن تکنولوژیکی مونیخی، معاملاتش را با سوءاستفاده از ترس انجام داده بود، ترس از قدرت اینترنت.

شبکه نوکیا زمینس سال قبل به ایران یک برنامه تدافعی فروخت که کارش این بود که در سیستم‌های کامپیوتری هر ردیابی را که یک انسان در آن باقی می‌گذارد شناسایی نماید. این معامله‌ای بود که نوکیا مایل نبود به خوب و بد آن فکر کند.

برنامه مزبور "پلاتنوم هوشمند" نام دارد و تا کنون شصت کشور، از دمکرات گرفته تا دیکتاتوری، مشتری آن بوده‌اند. برخی از این کشورها آن را برای مبارزه با خطر تروریسمی که قرار و مدارهای عملیات خود را از طریق اینترنت سازماندهی می‌کنند لازم دارند. اما برای رژیم‌هایی مانند رژیم ملاحا در ایران، مسئله چیز دیگری است. آن‌ها در درجه اول می‌خواهند از خودشان در برابر مردم خودی حفاظت نمایند، زیرا این مردم که یاد گرفته‌اند با اینترنت کار کنند و می‌دانند که چگونه خدمات اینترنتی نظیر تیوتر و فیس بوک را در راستای اهداف خود مورد استفاده قرار دهند، دیگر به آسانی قابل کنترل نیستند.

◆ ملاحا می‌ترسند

ملاحا می‌ترسند و ترس آن‌ها هم بی‌مورد نیست. حدود یک هفته است که افکار عمومی دنیا شاهد آن می‌باشد که چگونه یک رژیم قدرتش را ابتدا بر مردم و سپس بر اطلاعات و تصاویر از دست می‌دهد. دنیا نظارمگر است، چه از طریق فیلم‌های ویدئویی پر از لرزش که در سایت یوتیوب گذاشته شده و از آن جا به شبکه‌های تلویزیونی سی ان ان و برنامه خبری تاکس تمن آلمان راه یافته‌اند و چه از طریق عکس‌های گرفته شده با تلفن‌های موبایل که به پلاتنوم اینترنتی "فلیکر" و یا شبکه خدماتی پیام کوتاه "تیوتر" فرستاده می‌شوند.

اینترنت از چند طریق در خدمت انقلاب قرار می‌گیرد. او به توده‌ها برای سازماندهی کمک می‌کند، اطلاعات و فیلمها و عکس‌ها را به خارج منتقل می‌کند و به هر فردی این امکان را می‌دهد که در دنیای www از دید ارگانهای امنیتی دولتی مخفی بماند. اینجاست که بالاخره قدرت انقلابی اینترنت خود را نشان می‌دهد. نوربرت بولتس، متخصص رسانه‌های همگانی می‌گوید:

"آن چه سال‌ها فقط در باره‌اش حرف زده می‌شد اکنون در ایران به واقعیت پیوسته است."



آیا اگر در سال ۱۹۸۹ امکانات بالای تکنیکی امروزی در اختیار انسان بود فاجعه قتل عام میدان صلح آسمانی پکن به وقوع می‌پیوست؟ آیا رژیم چین از ترس انتشار عکس‌ها به گونه دیگری عمل نمی‌کرد؟

" هاینر گایسلر " ، سیاستمدار حزب دمکرات مسیحی آلمان که مدت‌هاست به مطالعه حرکت‌های دمکراسی‌خواهانه مشغول است می‌گوید که دیگر هیچ چیز توسط سانسور قابل سلطه نیست.

" کلاوس لهگموی " ، محقق سیاسی که سالها دمکراسی اینترنتی را زیر نظر داشته است عقیده دارد که در ایران اوج تازه‌ای از حیات اینترنت را مشاهده می‌کنیم.

گروه‌های معترضی که به ناگاه گویی از هیچ وجود آمده، شکل می‌گیرند و قرار و مدار می‌گذارند از سوی دستگاه‌های امنیتی به هیچ وجه قابل کنترل نیستند. بولتس عقیده دارد که در شبکه اینترنتی صحنه‌گردان‌ها به سختی قابل ردیابی هستند.

به همین دلیل است که نسل جدید انقلابیون بسیار قابل انعطاف‌تر از نسلهای پیشین می‌باشد. هر فرد در عین حال هم رهبر و هم دنباله‌رو است و هنگامی که که اعتراضات به سطوح توده‌ای ارتقا یابند زحمت کنترل آن بی نهایت خواهد شد.

دنیا نیز با انقلابیون جوان همدردی می‌کند زیرا همه جا تصویر آنان که از طریق اینترنت به سراسر جهان فرستاده‌اند قابل مشاهده است. این باعث افزایش فشار از خارج کشور بر دولت می‌گردد.

◆ رسانه و انقلاب

ولی آیا اینترنت می‌تواند یک دیکتاتور را ساقط کند؟ آیا اینترنت رسانه‌های دمکراتیک و دمکراتیزه کن است که می‌تواند تغییرات اجتماعی را تحمیل نماید؟ یک اصل پذیرفته شده می‌گوید که هر کس که قصد دارد یک انقلاب را به پیش برد باید در ابتدا رسانه‌های همگانی را در اختیار داشته باشد، رسانه‌هایی که حرفشان به گوش عامه مردم برسد.

اختراع ماشین چاپ توسط گوتنبرگ بود که به " مارتین لوتر " امکان داد افکار اصلاح طلبانه‌اش را ترویج داده و کلیسای پاپ را تحت فشار قرار دهد. اما از سوی دیگر قدرت گیری رژیم نازی در آلمان بدون وجود دستگاه عظیم تبلیغاتی قابل تصور نمی‌بود.

در لهستان تحت سلطه کمونیست‌ها دستگاه‌های تکثیر ارسالی از سوی واتیکان که با پول آمریکایی‌ها خریده شده بود کمک نمودند تا سندیکای کارگری همبستگی بتواند اعلامیه‌هایش را چاپ نماید. در سال ۱۹۸۹ فیلمهایی که مخفیانه از تظاهرات لایپزیک گرفته شده بود توسط خبرنگار اسپینگل به غرب منتقل شد و شهروندان آلمان شرقی تازه از طریق تلویزیون‌های غربی توانستند از ابعاد قیام در کشورشان با خیر شوند.

در ایران نیز مدتهاست که ارزش رسانه‌های همگانی آشکار شده است. آیت‌الله روح الله خمینی زمانی نوارهای صحبت‌های خود را توسط بازدیدکنندگان تکثیر نموده و با کمک آن‌ها موفق به سقوط رژیم شاه گردید.

البته سقوط یک رژیم به راحتی صورت نخواهد گرفت. اما در ایران اینترنت کاری را می‌کند که ذاتا به خوبی از عهده‌اش بر می‌آید. او باعث شفافیت هر چه بیشتر می‌شود. هر کس از طریق اینترنت می‌تواند آنچه را که رژیم بسیار مایل است مخفی بماند، یعنی این که خشم عمومی به چه اندازه است، را ببیند.

اعتراضات اخیر پیش از اینکه به خیابان‌ها کشیده شود در اینترنت شکل گرفته بود. شصت در صد ایرانیان زیر سی سال دارند و در زندگی آنان اینترنت حضور همه‌جانبه دارد. دینر روخت جامعه‌شناس برلینی می‌گوید که اینترنت وقتی به صورتی کارآمد در جریان‌ات اجتماعی عمل خواهد کرد که توده‌ها قبلا سیاسی شده باشند. انسان نمی‌تواند ابتدا به ساکن کسانی را از طریق یوتیوب، فیس بوک و یا توییتر به داخل جنبش بکشاند. بولتس نیز عقیده دارد که یک چنین انقلاب اینترنتی تنها هنگامی امکان پذیر می‌شود که رژیم قابل ضربه خوردن شده باشد.

◆ قابلیت دمکراتیزه کننده اینترنت

از زمانی که شبکه اینترنت بوجود آمده طرفداران آن با علاقه فراوان از قابلیت دمکراتیزه کننده آن سخن می‌گویند. از این که چگونه این شبکه نخبگان را از قدرت رانده و زیر دستان را از خمودگی در می‌آورد. اما این امیدها تا کنون چندان به تحقق در نیامده بود. البته تنها تا هنگامی که تظاهرات خیابانی در تهران شروع نشده بودند.

"توماس ال فریدمن"، روزنامه نگار آمریکایی می‌پرسد که آیا فیس بوک در انقلاب ایران همان نقشی را ایفا خواهد کرد که در انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ مساجد ایفا نمودند. البته نیروی مقابل را نباید دست کم گرفت. آنان کوشش می‌کنند که با تمام وسایلی که در اختیار دارند سلطه سانسور را برقرار نگاه دارند.

بد نیست بدانیم که نیروهای حاکم محافظه کار ایران خود زمانی از امکانات اینترنت به هیجان آمده بودند. بابک رحیمی، متخصص مسائل ایران در دانشگاه کالیفرنیا می‌گوید: "آنان پس از خاتمه جنگ ایران و عراق به این امید امکان استفاده از اینترنت را گسترش دادند تا بتوانند توسط آن اقتصاد و علم را رونق داده به جلو ببرند." رحیمی اضافه می‌کند که رهبران مذهبی ایران ابتدا اینترنت را به عنوان شانس بزرگی ارزیابی نمودند که با استفاده از آن می‌توانند سبب بازگشت بی‌دینان به دامن اسلام بشوند. حتی در شهرهای مذهبی با فضای قرون وسطایی و جو محافظه‌کاری چون قم طراحان شدیداً مؤمن اینترنتی با پشتکار بر روی سایت‌های اینترنتی مذهبی مشغول فعالیت بودند آنهم در سال ۱۹۹۷.

آن زمان مالاها حتی در خواب هم نمی‌توانستند تصور کنند که با چه وسیله خطرناکی سر و کار دارند. اینترنت مدتها برای پاسداران انقلاب یک رسانه مروج آزادی نبود. برای آنان اینترنت بیشتر یک میدان بازی بی‌ضرر بود که مخالفین تا زمانی که به سیستم حکومتی آزاری نمی‌رساندند می‌توانستند توسط آن خشم خود را التیام بخشند. این یک اشتباه بود.



◆ کمک کمونیست‌ها به ملاها

اما شهروندان نقشه‌های ملاها را بر هم زدند. بزودی سایت‌های انتقادی باعث نا آرامی شدند. حتی پخش اینترنتی اعترافات مشروح یک روسپی تهرانی چیزی نبود که روزی ملاها تصور کرده بودند. مسئله به ضد خود تبدیل شده بود.

کافه‌های اینترنتی پشت سر هم بسته شدند و رژیم سانسور جدیدی را برقرار نمود که توسط آن نه تنها سایت‌های رسانه‌های خارجی بلکه حتی بطور مثال سایت خطوط هواپیمایی بریتانیایی ویرجین آتلانتیک نیز مسدود می‌گردید. رژیم از خواب بیدار شده و در این مسیر راه قهرمان جهانی سانسور یعنی دولت چین را در پیش می‌گرفت.

در اینجا بود که یک همکاری منحصر به فرد شکل گرفت. مذهبی‌های متعصب به یادگیری از کمونیست‌ها پرداختند. بزرگترین ملت اینترنتی دنیا یاد می‌داد که انسان چگونه می‌تواند جریان اطلاعاتی را کنترل کرده، آن را تحت تأثیر خود قرار داده و مسدود نماید. رژیم پکن تنها به مسدود نمودن تعدادی از سایت‌های دوست نداشتنی اکتفا نمی‌کند بلکه وی بیش از یک چهارم میلیارد کاربر اینترنتی را در پشت یک دیوار چین دیجیتالی محبوس نموده است.

سیستم سانسور چینی رسماً "فایروال عظیم چین" نامیده می‌شود و جزء کارآمدترین‌های جهان به شمار می‌آید. یک سخنگوی حزبی آن را "سپر طلایی" نامیده است. سپری که ساخته شده تا از شهروندان محافظت نماید.

در قلمرو امپراطوری اینترنتی شرق قواعدی حاکم هستند که متفاوت با بقیه دنیا است. اصل اساسی ساده است: سیستم سانسور چین در مرزهای شبکه اینترنت کشور مراقب جریان اطلاعات که از سراسر دنیا توسط کابل‌های نوری به سوی چین سرازیر است می‌باشد.

سایت‌های دوست نداشتنی مسدود شده و جلوی ورود برنامه‌های دور زنده سانسور گرفته می‌شود. لشکری از ده‌ها هزار سانسورچی و مأمور اطلاعاتی بیست و چهار ساعته در کانال‌های ارتباطی مشغول جستجو برای یافتن "ت"های ممنوعه یعنی تبت، تیانامن و تایوان می‌باشند. به این لغات باید لغات تحریک‌کننده دیگری نظیر فالون گنگ، پورنو و یا دمکراسی را نیز اضافه نمود.

مثال چین یک درس تازه‌ای برای دنیای دیجیتالی می‌باشد. زیرا چینی‌ها نه تنها سانسور اینترنتی بلکه طرق دورزدن آن را نیز صادر می‌کنند. بهترین متحد مخالفین دولت ایران در مبارزه با سانسور اینترنتی فعالان چینی ساکن ایالت کالیفرنیا می‌باشند.

◆ بازی موش و گربه

از حدود ده سال قبل حزب کمونیست چین جنبش مذهبی فالون گنگ را به عنوان دشمن جمهوری خلق معرفی نموده و تحت تعقیب قرار داده است. بسیاری از طرفداران این جنبش به خارج گریخته و بویژه در سان فرانسیسکو در نزدیکی سیلیکن والی مسکن گزیده‌اند. از آنجا آنان به مبارزه خود با استفاده از وسایل و رسانه‌هایی هر روز جدیدتر از قبل ادامه می‌دهند. آن‌ها ایمیل‌های بی‌شماری را به داخل چین می‌فرستند که کمک می‌کنند تا شهروندان چینی بدون مزاحمت سانسور در اینترنت به تفحص بپردازند.

شیو ژو بنیادگذار "گلوبال اینترنت فریدام کانسور تیم" می‌گوید که آن‌ها هر هفته بیست میلیون ایمیل با دستورالعمل چگونگی دور زدن سانسور به چین می‌فرستند. شیو با شرکت‌های اینترنتی کالیفرنیا همکاری تنگاتنگی دارد و به سلاجهایی مجهز است که می‌تواند دیوارهای دیجیتالی میهنش را سوراخ سوراخ کند.

زمانی که شیو در کشورش دانشجو بود قتل عام میدان صلح آسمانی اثری عمیق بر او گذاشت. بعد از آن بود که پدرش که افسر ارتش خلق بود مجبور گردید بخاطر عضویت در جنبش فالون گنگ از کشور بگریزد. از آنموقع به بعد شیو سائیتی را اداره می‌کند که در مورد قیام‌های مردمی مانند زلزله سنج عمل می‌کند. او می‌گوید: "زمانی که در برمه کاهن‌ها دست به تظاهرات زدند مراجعه به سایت ما از این کشور سه برابر شده بود. اکنون هم روزانه صدها میلیون مراجعه از ایران داریم".

علت بالا بودن این ارقام این است که بازی موش و گربه در اینترنت هر ساعت بعد جدیدی پیدا می‌کند. سانسورچیان مرتباً فیلترهای خود را با شرایط جدید وفق می‌دهند و مخالفین هم متوالیا به دنبال خدمات اینترنتی جدید می‌گردند. افکار آزادند و از سایه‌های شبانه می‌گریزند و سانسور هم همواره در پی آنان است.

◆ درس دیگری در جهان دیجیتالی نوین

هرچه سانسور سدها را محکمتر کند به همان اندازه مخالفین بیشتر به آن سدها حمله می‌کنند. این امر در آلمان شرقی نیز صدق می‌کرد. هر چه تلویزیون شرقی دروغ‌های بزرگتری گفت به همان میزان تعداد بیشتری از شهروندان به تلویزیون‌های غربی روی آوردند. و از طریق بود که فهمیدند چگونه می‌توان از طریق مجارستان به خارج بگریزند.

زور آزمایی قدرت دولتی با مردم از یک جنگ اقتصادی بیرون می‌زند. جنگی که ابزار آن در میان نیروهای متخاصم بصورتی نابرابر تقسیم شده است. محاسبه ساده ایست: مسدود کردن پیام‌ها هزینه بیشتری می‌طلبد تا ارسال آن‌ها. یک تمبر بسیار ارزان تر از حقوق یک سانسورچی است.

حتی اگر یک دیکتاتور مردم خود را کاملاً تحت انقیاد درآورد، مانند کره شمالی و یا کوبا، و فقر و فرار مردم را بجان بخرد باز هم اشخاصی مانند یوانی سانچز اهل هاوانا پیدا می‌شوند. او که وبلاگ خود به نام "نسل وای" را بوجود آورده است، متون‌های لازم برای وبلاگ را در خانه مخفیانه به کامپیوتر می‌دهد. سپس آن‌ها را بر روی یک دیسک کامپیوتر ضبط می‌نماید تا بعداً آنرا به هتلی که بتواند از آن جا به اینترنت دسترسی داشته باشد، ببرد و در اینترنت بگذارد. اگر این کار به هر دلیل امکان پذیر نشود او دیسک خود را در میان دوستانش می‌چرخاند و مطلبش را به همه می‌رساند.

رژیم ایران چریک‌های اینترنتی را با سلاحی به همان اندازه ارزان و مؤثر مورد حمله قرار می‌دهد: از طریق ایجاد عدم اطمینان و ترس. در حال حاضر در ایران‌ای میل‌هایی در حال گردش است که به مردم در مورد خدمات اینترنتی تقلبی هشدار می‌دهند. یعنی دام‌های دیجیتالی که رژیم پهن می‌کند تا بتواند به اسامی و اطلاعاتی در مورد مخالفین دست پیدا نماید تا بعداً با کمک آن‌ها بتواند آنان را مورد بازخواست قرار دهد.

یک وبلاگ نویس ایرانی می‌گوید: "ما آزادی بیان داریم و می‌توانیم هر چه دلمان خواست بنویسیم. سوال فقط اینست که بعداً برایمان چه اتفاقی می‌افتد." ستون نویس فریدمن نیز اذعان دارد که اسلحه می‌تواند بر تلفن همراه چیره شود.

در نهایت می‌توان گفت رژیم‌ها تا سر حد مرگ به لرزه می‌افتد که قبلاً نیز لرزان بوده باشد. با این همه عباس میلانی مدیر مرکز مطالعات ایران در

دانشگاه استنفورد خوش بین است و می‌گوید که تلفیق نافرمانی مدنی و شبکه‌های اجتماعی ناقوس مرگ استبداد را به صدا در خواهد آورد.

◆ اطلاعاتی در باره سایت‌های اینترنت

۱- سایت مای اسپیس

تعداد مشترکین در سراسر جهان حدود ۲۲۰ میلیون

سایت فیس بوک

تعداد مشترکین در سراسر جهان حدود ۲۰۰ میلیون

اعضای سایت‌های مای اسپیس و فیس بوک از "پروفیل" خود برای گذاشتن عکس‌ها، ویدئوها، مطالب و وبلاگ‌های خود در ارتباط با نا آرامی‌ها در اینترنت استفاده میکنند. بسیاری از کاربران ایرانی صفحات وبلاگ خود را بخاطر همبستگی با جنبش مردم به رنگ سبز درآورده‌اند.

۲- سایت تیوتر

تعداد حساب‌های مشترکین در تمام دنیا حدود ده میلیون عدد

مشترکین تیوتر در ایران خبرهای تحولات جاری را توسط کامپیوتر و تلفن همراه بصورت پیام‌های کوتاه به سراسر دنیا می‌فرستند.

۳- سایت فلیکر

تعداد تصاویر گذاشته شده در این سایت حدود سه و نیم میلیارد عدد است.

عکسهای جدید از تظاهرات از طریق فلیکر در اینترنت گذاشته می‌شود و هر کس می‌تواند با استفاده از جستجوگر عکسهای مورد علاقه اش را پیدا کرده و تماشا نماید.

۴- سایت یوتیوب

تعداد ارسال فایل‌های ویدئویی در تمام دنیا روزانه حدود ۱،۲ میلیارد

فیلمهای گرفته شده توسط دوربین و یا تلفن همراه بعضا بدون جرح و تعدیل در اینترنت گذاشته می‌شود و تقریبا برای هر کس در سراسر دنیا قابل دریافت و دیدن است. علاوه بر این می‌توان از امکان درج توضیحات برای درج اطلاعات بیشتر و یا تبادل نظر استفاده نمود.

نقل از نشریه آلمانی اشپیگل / شماره ۲۶ / ۲۲ ژوئن ۲۰۰۹

برگردان: کوروش جعفرپور